

چالشها و ابهامها

تطبيق تعريف تروريسم

درديدگاه پاره‌اي بازيگران مؤثر بين المللي

رضا سيمبر

چکیده

تروريسم به طور رسمي توسط بسياري از کشورها و بازيگران بين المللي تعريف شده است. اگر چه هرکدام از اين تعاريف تا حدودي با يکديگر متفاوت هستند اما در عين حال نشانگر آن است که بازيگران مختلف چگونه «دشمن» را تعريف مي کنند. اختلاف تعريفها و فهرستهاي که سازمان ملل متحد، آمريکا و اتحاديه اروپا راجع به تروريسم، تروريست و سازمانهاي تروريستي ارائه مي کنند نشان دهنده ديده گاههاي گوناگون و سياستهاي جهاني مختلف راجع به آن است. مثلاً در کشوري مانند ترکيه که سابقه ي ۲۰ سال تلاش عليه تروريسم دارد، تعريف اين مفاهيم عمدتاً به سياستهاي داخلي محدود مي شود. هدف اين مقاله ارائه و تطبيق معاني رسمي ترور، تروريستها و سازمانهاي تروريستي به وسيله سازمان ملل متحد، آمريکا و اتحاديه اروپاست و اينکه چگونه مي توان از اين تعاريف براي سامان دهی جامعه جهاني در مواجهه با آن، استفاده نمود.

کلید واژه‌ها

تروريسم، سازمانهاي تروريستي و تروريست.

درآمد

توافقات و تفاوت‌هایی که درباره‌ی تعریف تروریسم، تروریستها و سازمانهای تروریستی از طرف کشورها وجود دارد، می‌تواند با تشابهات و اختلافاتی که آنان راجع به سیاست خارجی خود دارند منطبق باشد. این موضوع ناشی از این است که وقتی تروریسم به اشخاص، سازمانها و ابزارهای مالی ارتباط یابد جنبه بین‌المللی پیدا می‌کند. به عنوان نمونه وقتی کشوری سازمانی را تروریستی معرفی کند، آن سازمان را (دشمن) پنداشته و در نتیجه روابط با کشورهای دیگر که آن سازمان را این گونه نمی‌دانند با مشکل مواجه می‌شود. پس می‌توان گفت وضع هر قانون ضد تروریستی به وسیله یک کشور توسط سایر بازیگران جهانی به دقت دنبال می‌شود و ممکن است به طور جدی برایشان حایز اهمیت باشد.

مقایسه‌ها در این باره کمک می‌کند تا سیاست خارجی کشورها و سازمانهای بین‌المللی توضیح داده شوند. به طور کلی تعریف تروریسم شامل تعریف عمل تروریستی، اشخاص و سازمانهای تروریستی می‌شود. پذیرش این تعاریف به مثابه سیاست رسمی یک کشور تنها زمانی ممکن می‌شود که قانون‌گذار آن کشور مورد لحاظ قرار گیرد و قوانین وضع شده آن بررسی شوند.

موضوع تروریسم به عنوان یک عامل مؤثر در روابط بین ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا به دلیل برداشتهای مختلف از مفهوم تروریسم مطرح می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل تعریف مفاهیم مربوط به تروریسم به وسیله بازیگران اصلی نظام جهانی به نوعی نه تنها منعکس کننده‌ی سیاست داخلی بلکه سیاست خارجی آنان نیز می‌باشد. روشی که سازمانها و ساختارهای همگرایانه مانند اتحادیه اروپا تروریسم و مفاهیم مربوط به آن را تعریف می‌کنند نشان‌دهنده‌ی آن است که تهدید را چگونه می‌یابند و چه راهکارهایی را برای از بین بردن آن تجویز می‌نمایند. در نتیجه سطحی که در آن حکومتها و سازمانهای بین‌المللی به تعریف این مفاهیم می‌پردازند و مبارزه علیه آنها را قانونی می‌کنند نشان دهنده اهمیت موضوع برای آنهاست. به علاوه می‌توان بازیگران مربوط را به دو گروه مختلف تقسیم نمود: آنانی که راجع به مفهوم تهدید با یکدیگر دارای توافق هستند و آنهایی که راجع به این موضوع نیز با یکدیگر به توافق نرسیده‌اند.

اگرچه رخدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ باعث شد تا بحث تروریسم به طور جدی در صحنه بین‌المللی مطرح شود اما باید اشاره شود که تروریسم پدیده تازه‌ای در عرصه‌های جهانی نیست. خیلی از کشورهای دنیا از گذشته به تدریج به وضع قوانین مرتبط برای مبارزه با تروریسم پرداخته‌اند. آنچه که در باره این اسناد رسمی و قانونی در باره‌ی برخورد با تروریسم می‌تواند جدید پنداشته شود تعاریف نوراجع به «ترور»، «تروریست» و «سازمانهای تروریستی» است.^(۱)

تشابهاات و اختلافات موجود بین این برداشتها، لازم است تا قوانین وضع شده در این باره توسط هر کدام از این بازیگران مورد مطالعه قرار گیرد. تشابه یا اختلاف برداشتهای مربوط

به مفهوم تروریسم شکل دهنده‌ی سیاست خارجی مشابه و متفاوت این دو بازیگر و در نتیجه منعکس کننده‌ی منافع متضاد این بازیگران است.^(۲)

۱- مفاهیم مربوط به تروریسم و قواعد بین‌المللی

از میان مفاهیمی مانند جهانی شدن / بومی شدن، همگرایی / واگرایی و تمرکزگرایی / عدم تمرکز که امروزه در کنار یکدیگر در نظام بین‌الملل مطرح هستند، ترور به طور کلی به عنوان ترجمان بومی‌گرایی در مقابل جهان‌گرایی مطرح است. به عبارت دیگر، بازیگرانی که قواعد نظام بین‌الملل را تعریف می‌کنند برخی از واقعیات و پدیده‌های موجود را که خلاف راه و سیاست آنهاست به عنوان نماد «ترور» مطرح نموده و سپس آنها را (دیگران) می‌نامند.^(۳)

با این وجود یک موضوع خیلی مهم در اینجا قابل تأمل است. از یک طرف، بازیگرانی که برسر قواعد عمده‌ی بازی در نظام بین‌الملل متفق هستند عملاً نتوانسته‌اند در مورد تعریف «دیگران» به توافق مشترک برسند و از دیگر سو (دیگران) حتی اگر بومی باشند، قادرند جهانی عمل کنند و نتیجتاً به نوعی دشمنان خود را به

اجماع بکشانند. عدم توافق باعث می‌شود که ابزارهای بین‌المللی در مقابل تروریسم نتواند در درازمدت به یک قاعده‌ی مؤثر جهانی منجر گردد.

در اغلب مطالعات دانشگاهی، درباره‌ی تروریسم معمولاً از قواعد بین‌المللی برای تعریف مفهوم خشونت استفاده می‌شود. در آن اسناد آمده مدیریت بحران ترور که دارای اهداف سیاسی بوده و شامل اقدامات سیاسی، اقتصادی و حتی قانونی است، به تنهایی در حیطه توانایی و اقتدار هیچ کشوری قرار ندارد. با این وجود این اسناد عمدتاً به معرفی مؤلفه‌های تروریسم می‌پردازند. به نظر می‌رسد نیل به اجماع در تعریف تروریسم در سطح بین‌المللی امر چندان مشکلی نباشد، بلکه مسئله زمانی به وجود می‌آید که پس از تعریف «تروریسم»، بخواهند «تروریست» را معرفی کنند. چرا که تروریسم نوعی «عمل» است اما «تروریست» موضوع قانون است.

از دیدگاه دانشگاهی تروریسم براساس گروههای درگیر بدین ترتیب تقسیم می‌شود، توسط یک کشور علیه کشور دیگر، توسط یک دولت علیه شهروندان، توسط یک شهروند علیه شهروند دیگر و توسط شهروند علیه دولت. در حالی که چنین تقسیم‌بندی در قوانین داخلی کشورها مطرح نیست، در نتیجه ارائه تعریف برای ترور در سطح بین‌المللی هر چه بیشتر با مشکل مواجه می‌شود.



۱۷۶

۲- کنوانسیونهای بین‌المللی - قواعد منطقه‌ای

قواعد بین‌المللی اسنادی هستند که «اقدام تروریستی» را بدون ارجاع به تعریف مفاهیم تروریست، تروریسم و سازمانهای تروریستی پذیرفته اند و از کشورها می‌خواهند که در راه بازدارندگی و مبارزه با آن با یکدیگر همکاری کنند. ماده ۵۱ فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد حملات مسلحانه را محکوم می‌کند اما به روشنی موضوع ترور را تحت پوشش قرار نمی‌دهد. از اولین اسناد مطرح در این باره کنوانسیون ۱۹۳۷ ژنو درباره‌ی مبارزه و جلوگیری از تروریسم^۱ است. بر اساس این کنوانسیون ترور شامل «همه اقدامات مجرمانه علیه یک کشور است که به دنبال ایجاد ترس در اذهان افراد مشخص یا گروهی از افراد و یا کل جامعه است». اما این کنوانسیون هرگز به اجرا در نیامد. پس از آن ابزارهای مختلف دیگری درباره‌ی تروریسم به ابداع سازمان ملل متحد و همچنین سازمانهایی مانند اتحادیه اروپا،^۲ شورای اروپا،^۳ ناتو،^۴ آسه آن،^۵ اتحادیه عرب،^۶ سازمان کشورهای اسلامی،^۷ و سازمان کشورهای آمریکایی،^۸ به وجود آمد^(۴) اما باید توجه داشت این ابزارها عمدتاً و صرفاً پس از پایان جنگ دوم جهانی و تلاش این دسته از کشورها برای کسب استقلال شکل گرفت که با تکمیل روند تشکیل ملت - کشورها در دهه ۶۰ نیز پایان یافت.

بسیاری از این اسناد موضوعاتی مانند

امنیت هوانوردی کشوری، گروگانگیری، جلوگیری از اتخاذ عمل مجرمانه در مقابل افراد حمایت شده بین‌المللی مانند دیپلماتها و همچنین حمایت مالی از تروریسم^(۵) را تحت پوشش قرار می‌دهند. پس می‌توان گفت این اسناد عمدتاً بر روی همکاری علیه تروریسم تأکید دارند تا اینکه بخواهند مفاهیم مربوط به ترور را تعریف کنند و تنها اعمالی که در این کنوانسیونها ذکر شده را تحت پوشش قرار می‌دهند. کشورها هیچ واهمه‌ای از امضای چنین کنوانسیونهایی ندارند چرا که بدین وسیله آنان بهانه مشروعی را برای مبارزه علیه تروریسم - تروریستها و سازمانهای تروریستی بر اساس تعریف خود پیدا می‌کنند.

بر اساس دیدگاههای سازمان ملل متحد اقدام تروریستی با (عمل مجرمانه) در زمان صلح برابر است. قطعنامه‌ای که توسط سازمان ملل در سال ۱۹۹۹ اتخاذ شد اشعار می‌دارد که:

۱- اتخاذ اقدامات و روشهای تروریستی، جنایتکارانه و غیرقابل توجیه بوده و ارتکاب به چنین عملی در هر جا و توسط هر کسی

1. The 1937 Geneva Convention on the Suppression and Prevention of Terrorism
2. The European union
3. The Council of Europe
4. NATO
5. ASEAN
6. The Arab League
7. The Organization of the Islamic Conference
8. The Organization of American States

که باشد قویاً محکوم می شود؛

۲- تأکید می شود اتخاذ اعمال جنایتکارانه به عنوان ایجاد ترس در میان عامه مردم، گروهی از اشخاص یا حتی فرد خاص برای نیل به اهداف سیاسی در هر شرایطی غیر قابل توجیه است. صرف نظر از هر دلیل سیاسی، فکری، نژادی، قومی، مذهبی یا هر بهانه مشابه دیگری که بخواهد این اعمال برای توجیه خود داشته باشند.^(۶)

بدین ترتیب به اقدامات غیر قانونی و روشها در تعریف ترور اشاره شده و عمل تروریستی شامل بسیاری از امور می باشد. به عبارت دیگر هیچ ویژگی خاصی عمل تروریستی را از سایر اعمال خشونت آمیز جدا نمی کند و نتیجتاً می توان گفت هیچ تعریفی از ترور ارائه نشده است.

در کنوانسیون سال ۱۹۷۷ اروپا^۹ برای مبارزه با تروریسم^(۷) تلاش شده تا تعریفی از تروریسم ارائه گردد. ماده اول کنوانسیون تروریسم را: «یک حمله جدی می داند که شامل اقدام علیه زندگی، سلامت جسمانی و آزادی اشخاص حفاظت شده از جمله دیپلماتهاست. تهاجمی که با آدم ربایی، گروگانگیری و بازداشت غیر قانونی همراه است. همچنین اقداماتی که در آن از بمب و سایر مواد منفجره حتی به شکل ارسال بسته ها و نامه ها به منظور تهدید جان افراد به نوعی استفاده می شود». این در حالی است که ماده ۲ این تعریف را با تسری موضوع تهدید، علیه زندگی، سلامتی و آزادی اشخاص معمولی

نیز تعمیم می دهد.^(۸)

براساس این کنوانسیون تروریسم عملی است که علیه «افراد» و علی الاصول علیه دیپلماتها و اشخاص مورد حمایت بین المللی صورت می گیرد. تروریسم اقدام جدی همراه با خشونت است که در آن از مواد منفجره و آتش زا استفاده می شود و در عین حال هدف این اقدام نیز سیاسی است. این کنوانسیون برخی از اقدامات توسط یک فرد علیه فرد دیگر را نیز تروریسم می داند.

اما این سؤال باقی می ماند که مرتکبین این دسته از اقدامات یا کسانی که چنین تجاوزات «جدی» را خارج از تعریف انجام می دهند نیز آیا تروریست نامیده می شوند. به علاوه هیچ تعریفی از سازمانهای تروریستی ارائه نشده و کنوانسیون خود را محدود به آن دسته اعمال تروریستی واقع شده در داخل مرزهای کشور امضا کننده می کند. به عبارت دیگر ارسال یک بمب به شکل نامه به دیپلماتی که در یک کشور امضا کننده کار می کند، عمل تروریستی محسوب شود در حالی که ممکن است سوزاندن یک مدرسه در مصر توسط یک گروه مشخص عمل تروریستی محسوب نشود.

از طرف دیگر ناتو تنها «اعمال تروریستی» را در میان سایر مفاهیم مربوط به «تروریسم» در نظر می گیرد. ناتو که استراتژی جدید خود را در سال ۱۹۹۹ اعلام نمود،^(۹) مخاطرات نظامی و

9. 1977 European Convention for the Suppression of Terrorism

این سازمان برای مبارزه با آن متعهد می‌شود. اما خود اقدام و افراد و گروههایی که مرتکب آن می‌شوند تعریف نشده‌اند. تعریف «دشمن» در محل ابهام باقی مانده است به عنوان نمونه تحت چنین شرایطی کسی نمی‌تواند بگوید که آیا ناتو می‌تواند با سازمانهای تروریستی مانند پ. ک. ک.^{۱۳} ای تی آی^{۱۴} و یا القاعده به مقابله بپردازد.

۳- قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد

پس از حملات تروریستی به آمریکا در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ لازم بود که دیدگاه و ماهیت عاملان این حمله تعریف شود. با این دیدگاه شورای امنیت سازمان ملل متحد به تصویب یکسری از قطعنامه‌ها پرداخت.^(۱۲) اولین آنها قطعنامه‌ی ۱۳۶۸ به عنوان «درخواست بستن اردوگاههایی که در آن تروریستها تعلیم می‌یابند»^{۱۵} مصوب ۱۲ سپتامبر سال ۲۰۰۱ بود. در این قطعنامه حملات محکوم شده و اتخاذ اقدامات بین‌المللی علیه تروریسم خواسته شد. به علاوه مخاطره ایجاد بحران بین‌المللی

10. The Combined Joint Task Force (CJTF)
11. The Euro- Atlantic Partnership Council Action Plan
12. Identifying Threats from And Responses to International Terrorism
13. P.K.K
14. ETA
15. Demands Closing of Camps Where Terrorists are Trained

غیرنظامی را به مثابه «تهدید» می‌بیند و در این راستا، موضوعاتی مانند تنازع قومی، بحرانهای اقتصادی، فروپاشی نظم سیاسی و تکثیر سلاحهای کشتار جمعی را به عنوان بحران اصلی و اولیه معرفی می‌کند. فعالیتهای تروریستی نیز در زمره سایر تهدیدات قلمداد می‌شوند. در نتیجه اقدامات امنیتی ناتو با توجه به مخاطراتی مانند تروریسم، خرابکاری، جنایت سازمان یافته و فعالیتهای مضر علیه منابع حیاتی می‌تواند اتخاذ شده و گسترش یابد.^(۱۰)

در حالی که ناتو توجهی به تعریف تروریسم ندارد، به تعریف آن به شکل غیر مستقیم در چارچوبه مفهوم جدید استراتژیک خود اشاره می‌کند. در این مفهوم جدید ناتو می‌تواند در «خارج از محدوده» برای اهداف بشر دوستانه، حمایت از حقوق بشر و دموکراسی اقدام کند و به آن اجازه داده می‌شود تا یک نیروی نظامی به نام مأموریت نظامی مشترک^{۱۰} تشکیل دهد. طرح اقدام شورای همکاری اروپا-آتلانتیک^{۱۱} شامل قسمتی به نام «تعریف تهدیدها از تروریسم بین‌الملل و واکنشهای نسبت به آن»^{۱۲} می‌باشد.^(۱۱) در این سند ناتو اقدام نظامی جهانی در برابر تروریسم را بدون ارائه تعریفی از مفاهیم مربوط به ترور اتخاذ کرده است. بنابراین اعضای سازمان ناتو در باره این موضوع با یکدیگر توافق دارند که تروریسم نوعی از اقدام است که در آن حقوق بشر، دموکراسی، ثبات سیاسی و اقتصادی مورد تهدید قرار می‌گیرند و

حاصل از یک آشوب داخلی در افغانستان بارها و بارها در اواخر دهه ۱۹۹۰ در سازمان ملل متحد مورد بحث قرار گرفت. در نتیجه

قطعنامه‌ی شورای امنیت به شماره ۱۲۶۷ تحت عنوان درخواست روی گرداندن طالبان از اسامه بن لادن^{۱۶} صادر شد. کمیته‌های تحریم^{۱۷} تشکیل شد تا لیست تروریست‌ها را جهت تعقیب و دستگیری تهیه کند. این کمیته‌ها برای مشخص نمودن افراد و سازمان‌هایی که در عملیات تروریستی نقش دارند هنوز فعال هستند. قطعنامه‌ی ۱۲۶۷ اساس و بنیان همه قطعنامه‌های بعدی شورای امنیت سازمان ملل در باره تروریسم محسوب می‌شود.^(۱۳)

۱- این قطعنامه‌ها چارچوبه را برای مبارزه علیه تروریسم محدودتر می‌کنند اما هیچ تعریفی از این مفهوم ارائه نمی‌کنند در نتیجه تصمیم گرفتن راجع به معیارهای لازم برای تهیه لیستهای اشاره شده غیرممکن است.

۲- لیست اشخاص و سازمانهای تروریستی که در ۲۶ نوامبر سال ۲۰۰۱ اعلام شد حاوی برخی نکات جالب است^(۱۵) لیست شامل دو گروه است «اشخاص»^{۱۸} و «سازمانها»^{۱۹}

۳- اشخاص: در جمع ۲۰۶ نام ذکر شده است که ۱۵۲ اسم در قطعنامه شماره ۱۲۶۷ و ۵۴ اسم در قطعنامه شماره ۱۳۳۳ وجود دارد. ۱۵۲ اسم به افراد دولتی رسمی و سطح بالا، سفرا و کنسولها و کارکنان کشوری بین‌المللی تحت رژیم طالبان اشاره دارد. به عبارت دیگر هر شخصی که در رژیم طالبان وجود داشت در این لیست آورده

16. Demands Taht Taliban Turn Over

Osamma Bin Laden

17. Sanctions Committee

18. Individuals

19. Organizations

پس از قطعنامه‌ی شماره ۱۳۶۸ که حملات یازدهم سپتامبر را محکوم می‌نمود این شورا قطعنامه‌های دیگری را صادر نمود که صرفاً منحصر به اعلام محکومیت نمی‌شد. قطعنامه‌ی شماره ۱۳۷۳ در تاریخ ۲۸ نوامبر سال ۲۰۰۱ و قطعنامه شماره ۷۱۵۸ در باره موضوع مورد بحث بسیار حایز اهمیت هستند. قطعنامه‌ی ۱۳۷۳ اقدامات جهانی علیه تروریسم و تهیه فهرست جدیدی از تروریست‌ها را توصیه می‌کند. قطعنامه‌ی ۷۱۵۸ هر گونه تعامل تجاری و مالی را با تروریست‌ها و سازمانهای مربوط ممنوع اعلام می‌دارد. هر دو قطعنامه شامل لیستهای پیوست است که مبتنی بر قطعنامه‌های ۱۲۶۷ (۱۹۹۹) و ۱۳۳۳ (۲۰۰۰) است. قطعنامه ۱۳۷۷ در تاریخ ۱۲ نوامبر سال ۲۰۰۱ بر همکاری بین‌المللی جهت تهیه چنین لیست‌هایی تأکید می‌کند و از



انتشار این لیستهای متفاوت، بدون ارائه تعریفی مشخص از مفاهیم مربوط به ترور در سطح بین‌المللی به کشورها اجازه می‌دهد که اقدامات مهم اما حاشیه‌ای را به عمل آورند. در واقع، ۱۲ مورد از ۳۰۰ سازمان تروریستی متصور که مشخص شده‌اند، نشان دهنده دوگانگی بین «رزمندگان آزادی خواه من، تروریست از دیدگاه توست»،^{۲۰} می‌باشد. به علاوه این ۱۲ سازمان خطرناک‌ترین آنها محسوب نمی‌شوند بلکه آنهایی هستند که خسارات قابل ملاحظه‌ای را به برخی اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد وارد کرده‌اند. در نتیجه، سازمان ملل متحد نه این سازمانها را تعریف کرده و نه اطمینانی را نسبت به همکاریهای بین‌المللی در مبارزه علیه این سازمانهای فهرست شده شکل داده است.

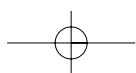
زمانی که اعضای سازمان ملل متحد به اجماعی درباره‌ی جنگ علیه تروریسم دست یافتند، کشورها قادر خواهند بود تروریستها و سازمانهای تروریستی را که می‌خواهند علیه آنها مبارزه کنند معرفی نمایند و مبارزه خود را بر پایه این موضوع مشروع قرار دهند. به علاوه آنها می‌توانند فهرستی طولانی از افراد و سازمانهایی که آنها را تهدید می‌بینند تهیه کنند. این فهرستها کاملاً انعطاف پذیر هستند و همواره این امکان وجود دارد که در طول زمان مورد جرح و تعدیل قرار گیرند. در نتیجه،

20. My freedom fighter= your terrorist

شده است. سایر اسامی موجود در لیست قطعنامه‌ی شماره ۱۳۳۳ به افرادی که از خاورمیانه ریشه می‌گیرند اما در کشورهایمانند ایتالیا، پاکستان، آمریکا، یمن، عربستان سعودی، مصر و سوئد ساکن هستند اشاره می‌کند.

۴- سازمانها: اسناد شامل هم خودسازمانهای تروریستی و هم سازمانهای مالی حامی آنهاست نه هر سازمانی که در قطعنامه‌ی شماره ۱۲۶۷ فهرست شده‌اند سازمانها و شرکتهایی هستند که مقرر آنها در افغانستان است. براساس قطعنامه‌ی شماره ۶۷۱۳۳۳ سازمان فهرست شده‌اند که ۵۴ تای آنها چند ملیتی بوده و مقر اصلی شان در خاورمیانه است. در میان آنها «البرکه» با ۱۱ شرکت وابسته و البرکات با ۲۰ شرکت وابسته جای بسیار مهمی را اشغال کرده‌اند. تنها ۱۲ مورد از ۷۶ سازمانی که در دو قطعنامه شورای امنیت فهرست شده‌اند، سازمان تروریستی دانسته می‌شوند این سازمانها عبارتند از:

گروه ابوسیف - الاتحاد الاسلامیه -
 الجهاد- القاعده- گروه اسلامی مسلح -
 اسباط الانصار- حیات العلیا- ارتش
 اسلامی عدن- گروه اسلامی ازبکستان -
 جنبش محمد (ص)- گروه مبارز
 اسلامی لیبی- گروه سلفی برای دعوت
 و مبارزه اسلامی لیبی- گروه سلفی
 برای دعوت و مبارزه.



۴-۱- ایالات متحده آمریکا

قانون مهاجرت و ملیت ۲۱۹۵۲ اصلی ترین سند در باره مفاهیم مربوط به ترور است. این قانون در سال ۱۹۵۷ اصلاح شد و تا اواسط دهه ۱۹۹۰ هیچ نیازی به درج تعریفی جدی از مفهوم تروریسم یا فهرستی از اشخاص و سازمانها در این سند وجود نداشت. این سند عمدتاً تهدیدات مطرح در مقابل شهروندان آمریکایی یا امنیت ملی را تحت پوشش قرار می دهد، با این وجود در نیمه دوم دهه ۹۰ و با بالا گرفتن حملات تروریستی در مقابل آمریکا هم در سطح ملی و هم در سطح بین المللی - نیاز به وضع قوانین جدید احساس شد. بمب گذاری ساختمان فدرال اوکلاهاما در سال ۱۹۹۵ به شکل گیری این روند کمک نمود.

در قانون «ضد تروریستی و مجازات اعدام در سال ۲۳۱۹۹۳ مفهوم «تروریسم و تروریست» ارائه می شود.^(۱۶) حتی این قانون موضوع اعلام جنگ در جایی که لازم است را پیش بینی می کند. براساس قسمت ۲۱۹ قانون مهاجرت و ملیت همه آنانی که در فهرست سازمانهای تروریستی خارجی قرار دارند، «دشمن» تلقی می شوند. پس می توان گفت در کشور آمریکا تعریف مفاهیم «تروریست و تروریسم» تا سال ۱۹۹۶ دارای اهمیت کمتری بود و پس از آن تعریف و مجازات سازمانهای تروریستی

21. Internal enemy

22. The Immigration and Nationality Act

23. 1996 Anti - Terrorism and Effective Death Penalty Act

ارزیابیهای که در محدوده ی حقوق بین الملل قرار نمی گیرند، این امکان را می یابند تا در اسناد قانونی ملی به عنوان راهنمای سیاست خارجی و داخلی کشورها تجلی پیدا کند. بنابراین سیاست خارجی و داخلی کشورها با استناد از تعریف آنها از ترور، تروریستها و سازمانهای تروریستی قابل فهم تر می شود.

۴-۲ آمریکا و اتحادیه اروپا

ممکن است ضعفهایی که در تعریف این مفاهیم در بستر قوانین منطقه ای و بین المللی وجود دارد در اسناد قانونی ملی یا سازمانی کشور خاص جمعی از کشورها نیز نمایان شود. تا زمانی که مشکل عدم وضوح در تعریف مفاهیم، تروریسم، تروریستها و سازمانهای تروریستی موجب تهدید به کشور یا کشورهایی نباشد، آنان تمایلی از خود برای تعریف این مفاهیم نمی یابند. در نتیجه تمهیدات قانونی یک کشور درباره ی تروریسم، تروریستها و سازمانهای تروریستی بیشتر جنبه قوانین داخلی و جزایی پیدا می کند. به عبارت دیگر، تقنین حکومتی وسیله ای برای مقابله با دشمن داخلی^(۱۷) تلقی می شود. این در حالی است که با بین المللی شدن ترور، موضوع فراسوی تقنین ملی محسوب می گردد. در این باره، مسئله تعریف (تروریست دیگران) و مفاهیم مربوط به (ترور)، مستقیماً تبدیل به یک اقدام در سیاست خارجی کشورها می شود.

بسیاری از این قوانین به صورت جداگانه یا به صورت مشترک به مفاهیم تروریسم داخلی و بین‌الملل پرداخته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت انواع مختلف تعریفها به ایالات متحده آمریکا حاشیه مانور خوبی را به دولت آمریکا برای مواجهه با تروریسم اعطا می‌کند و این امکان را به وجود می‌آورد تا به اشکال گوناگون بتوان تروریستها و سازمانهای تروریستی را تعریف و تقسیم‌بندی نمود.^(۱۹)

سازمان مسئول برای معرفی و اعلان اشخاص و سازمانها به عنوان تروریستهای بین‌المللی، وزارت امور خارجه آمریکا است. قبل از اعلان لیستی که برای مدت دو سال معتبر خواهد بود، وزارت خارجه باید به مشاوره با وزارت اقتصاد پردازد و سپس آن را به کنگره اعلام کند. به علاوه این فهرست نیازمند تأیید رئیس جمهور آمریکا است تا جنبه رسمی پیدا کند. ضمناً وزارت امور خارجه مسئول معرفی و اعلان تروریستها و سازمانهای تروریستی داخلی نیز می‌باشد.^(۲۰) باتصمیم ریاست جمهوری^{۲۸} در سال ۲۰۰۱ اختیارات اف‌بی‌آی در مورد تروریسم داخلی افزایش پیدا نمود. لیستی که به وسیله این سازمان تهیه

بین‌المللی به وسیله تصویب و اعلان قوانین جدید ممکن شد.

تروریسمی که ریشه در خارج دارد با قانون مجازات مؤثر و ضد تروریستی قسمت ۲۱۲ ماده‌ی ۳-ب تعریف شده است. این قانون امکان تشخیص اشخاص سازمانها یا دولتهایی را که در عملیات تخریبی علیه آمریکا در حیطه مسائل امنیت ملی، امور خارجی و موضوعات اقتصادی حتی اموری که در داخل کشور اتفاق نمی‌افتد را ممکن می‌سازد. به علاوه کشورهای تروریستی در تقسیم‌بندی جداگانه‌ای قرار گرفته و به وسیله خود رئیس جمهور آمریکا معرفی می‌شوند.^(۱۷)

علاوه بر این سعی شده تا قوانین یکدیگر را تکمیل می‌کنند، یک سری از قوانین از سال ۲۰۰۱ در آمریکا اعلام شده‌اند تا مفاهیم مربوط به ترور و جرایم مرتبط را تعریف کنند. قانون مالی ضد تروریستی،^{۲۴} قانون میهن پرستی آمریکا،^{۲۵} قانون امنیت حمل و نقل و فرودگاه^{۲۶} و قانون حفاظت از مخاطرات تروریسم^{۲۷} از مهم‌ترین آنها محسوب می‌شوند. قسمت ۴۱۱ قانون میهن پرستی آمریکا به تعریف ترور و تروریستها می‌پردازد. براساس این قانون بسیاری از سازمانهای دولتی مسئول پی‌جویی «ترور و سازمانهای تروریستی» هستند و می‌توانند دست به اقدامات مختلفی برای جلوگیری از جرایم تروریستی بزنند.^(۱۸) به علاوه حدود بیست آیین‌نامه اجرایی، قطعنامه، بیانیه و قوانین ایالتی درباره‌ی تروریسم اعلان شده‌اند. در

24. The Financial Anti - Terrorism Act

25. The USA Patriot Act

26. The Airport and Transportation Security Act

27. The Terrorism Risk Protection Act

28. The Presidential Decision Directive of 2001

می‌شود پس از اعلان به وزارت خارجه و تأیید رئیس جمهور جنبه رسمی پیدا می‌کند. اف بی آی هماهنگ کننده‌ی فعالیتهای مختلف سازمانهای گوناگون مانند وزارت دادگستری و وزارت دفاع و مسئول فعالیت سازمانهای تروریستی بین‌المللی در داخل ایالات متحده آمریکا است. همچنین قابل ذکر است که اف بی آی مسئول تعریف مفاهیم تروریسم ملی و بین‌المللی نیز می‌باشد.

فهرست اف بی آی در مورد مسائل تروریسم داخلی، سازمانهای مسلح و فعال در زمینه‌ی مواد مخدر، گروههای افراطی مسلمان، یهودی و مسیحی، سازمانهای نژادپرست، گروههای ملی‌گرای رادیکال و سازمانهای افراطی طرفدار تبعیض جنسی و نهایتاً سازمانهای کمونیستی را شامل می‌شود. درباره‌ی محتوا و شیوه تعریفها ارائه و لیست از ترور- تروریست و سازمانهای تروریستی توسط آمریکا، موارد زیر را می‌توان خاطر نشان ساخت.

● تعریف آمریکا از ترور ابتدائاً اقدامات در سطح شخصی را مدنظر دارد، موضوع حکومت یا دولت در هیچ جایی ذکر نشده است. به نظر می‌رسد این نگرش ناشی از تفکر خاص آمریکا مبنی بر اولویت فرد بر حکومت باشد. ضمن اینکه حکومت آن چنان دارای ساختار قدرتمند و دائمی دیده می‌شود که به وسیله ترور آسیبی به آن وارد نمی‌آید.

● افراد بالقوه می‌توانند تروریست انگاشته شوند بدون اینکه دست به اقدامی در این باره

زده باشند.^(۳۱) به عبارت دیگر برای اینکه فردی تروریست نامیده شود لازم نیست که مثلاً مرکز خریدی را در نیویورک منفجر کرده باشد اگر فردی مظنون به مهیا شدن به ارتکاب چنین کاری نیز باشد قانون ضد تروریستی بر او حمل می‌شود مضافاً اینکه ضروری نیست که حتماً چنین فردی در داخل خاک یا کشور آمریکا باشد. بنابراین ممکن است، برخی از اقدامات علیه منافع اقتصادی خارج از کشور نیز از زمره اقدامات تروریستی تلقی شوند.

● آمریکا اشخاص و سازمانهایی را تروریست می‌داند که برای فعالیت تروریستی مهیا شده یا در آن نقش آفرینی کنند. اما در حالی که تعاریف به روشنی مشخص نمی‌کند که چه کسی تروریست هست یا نیست (لیست دشمنان) تهیه می‌شود. اعلان چنین فهرستهایی تعقیب و مجازات افراد و سازمانهای ذکر شده را ممکن می‌سازد. این اشخاص یا سازمانها موضوع قانون قرار می‌گیرند و به دولت اجازه داده می‌شود که رسماً دشمنان «داخلی» و «خارجی» را به شهروندان و همچنین به جهانیان اعلام کند. چنین روشی زمینه قانونی لازم را برای فعالیتهای ضد تروریستی ایجاد می‌کند و حق «دفاع از خود» را برای سیاست خارجی آمریکا فراهم می‌سازد. بنابراین می‌توان گفت:

۱- فهرست ایالات متحده‌ی آمریکا بسیار گسترده‌تر از فهرست سازمان ملل متحد است. معمولاً اسامی سازمانها و شرکتهای مالی و تجاری خاورمیانه ابتدائاً در این

اطلاع کند.

۲-۴- اتحادیه اروپا

در ابتدا باید خاطر نشان ساخت تنها ۷ کشور در اتحادیه اروپا یعنی فرانسه، آلمان، بریتانیا، ایتالیا، پرتغال، اسپانیا دارای تقنین ملی درباره‌ی تروریسم هستند. به نظر می‌رسد در میان این کشورها بریتانیا دارای مدون‌ترین قانون است. قانون تروریسم در سال ۲۰۰۰ تعریف تروریسم را ارائه می‌کند که تعریف موجود در قانون بازدارندگی از تروریسم در سال ۱۹۸۹^{۲۹} اصلاح شد و جانشین قانون ۱۹۷۳ گردید. بنابراین قانون اقداماتی که در راستای تهدید دولت یا جامعه انجام شوند و خساراتی به افراد و اموالشان وارد می‌آید و اهداف سیاسی، فکری و مذهبی خاصی را تحمیل می‌کنند سلامتی و امنیت جامعه را به مخاطره می‌اندازند، نظام مخابراتی را تخریب می‌کنند یا از تسلیحات استفاده می‌نمایند اقدام تروریستی محسوب می‌کند. به نظر می‌رسد انگلستان عمل ترور و نه تروریسم یا تروریست را تعریف می‌کند.^(۳۳) لایحه قانونی ۲۰۰۱ امنیت و اقدام علیه جرم تروریستی^{۳۰} انتشار اسامی و سازمانهایی تروریستی را ممکن ساخته است^(۳۴) در نتیجه ۲۱ سازمان شامل پ.ک.ک و د.ا.چ.ک. پ / سی (DHKP/C) به وسیله دولت انگلستان به عنوان

29. The 1989 Prevention of Terrorism Act

30. The 2001 Anti - Terrorism Crime and Security Bill

فهرستها ذکر می‌شود و با مطالعه این لیستها می‌توان گفت که آمریکا «تروریسم اسلامی» را اصلی‌ترین دشمن خود می‌یابد. ۲- دولت آمریکا قصدی مبنی بر مقدم نمودن سازمانهای تروریستی داخل کشور خود بر نمونه‌های بین‌المللی ندارد و در عوض به اف بی آی اجازه می‌دهد که آنها را بدون مطرح کردن موضوع برای کشورهای خارجی تعقیب نماید. در همین حال، آمریکا برخی از سازمانهای تروریستی خاص را بدون اینکه سابقه‌ای از فعالیت آنها در آمریکا وجود داشته باشد مانند پ.ک.ک، در فهرست «تحت تعقیب» خود و در یک تقسیم‌بندی متفاوت قرار می‌دهد. ۳- وقتی چنین سازمانهایی در فهرست تروریستهای ایالات متحده آمریکا قرار می‌گیرند دو کشور در مبارزه با تروریسم با یکدیگر متحد می‌شوند. این موضوع منعکس‌کننده نظر جورج بوش رئیس جمهوری آمریکا است وقتی که پس از حمله ۱۱ سپتامبر گفت «هر که با ما نیست در مقابل ماست». در نتیجه هر کشوری که چنین سازمانهایی را تروریست نداند در مقابل آمریکا قرار می‌گیرد. در این راستا دولت آمریکا نام برخی از سازمانهای تروریستی سایر کشورها مانند IRA و ETA اروپا را در فهرست خود قرار داده است و این امکان را به دست می‌آورد تا از عکس‌العمل طرفهای مقابل خود کسب

دشمن اعلام شدند. در فرانسه و در قانون ضد تروریستی ۱۹۸۶ «تروریسم» تعریف شده است.^(۲۵) اعلام سازمانها و اشخاص تروریست با حکم دسامبر سال ۲۰۰۱ جنبه عینی یافت.^(۲۶) به عنوان نمونه پ. ک. ک. پس از این حکم به عنوان یک سازمان تروریستی اعلام شد.

همه اعضای اتحادیه اروپا دارای قواعد مربوط به خود درباره‌ی تروریسم هستند اما پس از عضویت در اتحادیه ملزم به پیروی از قواعد آن می‌شوند. براساس ماده ۱۷ کنوانسیون اروپا حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی^{۳۱} تروریسم عبارتست از: هر اقدامی که به منظور نابودی حقوق و آزادیها و یا محدود کردن آنها بر اساس چارچوبه این کنوانسیون انجام شود^(۲۷) ضمناً پروتکل الحاقی شماره ۱۱ کنوانسیون، مبارزه علیه تروریسم را «دفاع از

اشخاص در مقابل خشونت غیر قانونی» معرفی می‌کند.^(۲۸) با توجه به این کنوانسیون به همراه کنوانسیون مشابه اروپا در سال ۱۹۷۷ برای جلوگیری از تروریسم،^{۳۲} اعضای اتحادیه می‌توانند برخی از اقدامات مشخص خشونت‌آمیز را تروریسم بدانند. باید تأکید شود که کشورهای اروپایی به دنبال حمایت از اشخاص و حقوق و آزادیهای فردی در صدد ارائه تعریف خود از تروریسم هستند.

قرارداد ماستریخت^{۳۳} اولین قدم به سمت تکامل تعریف مشترک اتحادیه اروپا از ترور، تروریست و سازمانهای تروریستی بود که

معیارهای مبارزه با تروریسم را آماده می‌کند.^(۲۹) در طرف دیگر قرارداد شن گن^{۳۴} سند مهم دیگری در باره این موضوع است که مبارزه با تروریسم نیز در این قرارداد آمده است.^(۳۰) موضوع جلوگیری از تروریسم در قرارداد آمستردام^{۳۵} نیز مطرح شده است.^(۳۱) این قرارداد با گسترش وظایف یوروپل^{۳۶} آن را مؤلف می‌کند تا به طور غیر مستقیم با تروریسم مبارزه کند. البته براساس توافق حاصله در نشست سران در لوکزامبورگ در سال ۱۹۹۱ یوروپل در سال ۱۹۹۵ تأسیس شده بود.^(۳۲) که از سال ۱۹۹۸ نیز جنبه اجرایی پیدا کرد. از مسئولیتهای اصلی آن بازدارندگی از جرایم سازمان یافته، قاچاق تسلیحات، مواد مخدر و همچنین قاچاق انسان بوده است. شورای اروپا^{۳۷} در سال ۱۹۹۷ نیز قطعنامه‌ای را صادر کرد که در آن اختیارات یوروپل را گسترش داد.^(۳۳) این ابداعات بر اهمیت همکاری در مبارزه علیه تروریسم تأکید می‌کنند اما هیچ تعریفی در آنها شکل نگرفته است. الحاق عملیات جلوگیری از تروریسم به فعالیتهای یوروپل در

31. The European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms

32. The 1977 European Convention for the Prevention of Terrorism

33. Masstricht Treaty

34. Schengen Treaty

35. Amsterdam Treaty

36. Europol

37. The Council of Europe



اخاذی، دزدی، محاصره یا تخریب غیر قانونی به امکانات دولتی یا حکومتی، وسایل حمل و نقل عمومی، ساختارهای زیر بنایی، اماکن استفاده عمومی و املاک - ساخت، تملک، حمل و نقل یا تجهیز تسلیحات یا مواد منفجره، پخش مواد آلوده کننده یا محترقه و منفجره که جان و مال مردم، و املاک و احشام آنها را به مخاطره اندازد.

- خرابکاری یا انهدام سیستم آب، برق یا سایر منابع حیاتی؛
 - حمله از طریق دخالت در سیستم اطلاعاتی؛
 - تهدید به انجام هر کدام از موارد بالا؛
 - حمایت از گروههای تروریستی یا مشارکت در آنها.

۲- برای اجرای این تصمیمات، گروه تروریستی به معنای یک سازمان طراحی شده از قبل است که دارای بیش از دو نفر عضو باشد و آنان در صددند تا اقدامات اشاره شده مرتکب شوند.

این تعریف اگر چه به اقدام تروریستی و با جزئیات اشاره می کند اما نکاتی که این عمل را از سایر جرایم عمومی متمایز می سازد، بدون توضیح باقی می ماند. به علاوه نهایتاً قضاوت راجع به اینکه چه عملی تروریستی محسوب می شود به کشورهای عضو سپرده شده است و اگر هر کدام از اعضا چنین اعمالی را مصداق اقدام تروریستی نیابد هیچ سازمانی را تروریستی

قطعنامه های شورای اروپا در سال ۱۹۹۹ جنبه عینی و عملی پیدا نمود. به طور خلاصه اعضای اتحادیه اروپا موضوع را به سازمان پلیسی خود واگذار کردند و بین تروریسم و سایر اشکال جرایم تمایزی قائل نشدند.

پس از رخداد ۱۱ سپتامبر اتحادیه اروپا به مانند سایر بازیگران فعالیت بیشتری را در زمینه مقابله با تروریسم از خود نشان داد. در ۱۹ سپتامبر سال ۲۰۰۱ طرحی تحت عنوان (چارچوب تصمیم شورا برای مبارزه با تروریسم) توسط کمیسیون اروپا به شورا ارائه شد که براساس آن مبارزه با تروریسم تنها به فعالیتهای یوروپل محدود نمی گردید. (۳۴) ماده سه طرح به تعریف جرایم تروریستی افراد تروریست و سازمانهای تروریستی می پردازد براساس این تعریف:

۱- هر کدام از کشورهای عضو باید به اتخاذ اقدامات لازم جهت مقابله با موارد زیر بر اساس قوانین ملی خود بپردازند اقداماتی که توسط افراد یا سازمانها به شکل عامدانه علیه یک یا تعداد بیشتری از کشورها، مردم و سازمانهای آنان به هدف ایجاد ارباب به منظور ایجاد تغییر عمده یا نابود کردن ساختار سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی کشورها صورت می پذیرد حملات تروریستی تلقی شده و باید تعقیب و مجازات شود:

قتل، جرح فیزیکی، آدم ربایی یا گروگانگیری،

۱۸۶



نخواهد دانست. براساس هر کدام از پیشنهادهای بالا، شورای وزیران اروپا یکسری از قطعنامه‌ها را تصویب نموده است. یکی از آنها در تاریخ ۱۹ سپتامبر سال ۲۰۰۱ با اشاره به خطر تروریسم^(۳۵) به مواد ۲، ۳، ۶، ۱۱ منشور حقوق اساسی جامعه اروپایی استناد نموده که تروریسم را به عنوان جنایت علیه بشریت معرفی می‌کند. به علاوه با ارجاع به قسمت ب بند ۲ ماده ۳۴. همچنین ماده ۲۹ قرارداد اتحادیه اروپا^{۳۸} بر همکاری کشورها در مقابله با تروریسم تأکید می‌نماید.^(۳۶)

در همین راستا قطعنامه‌های دیگری نیز صادر شده است. در ۲۰ سپتامبر سال ۲۰۰۱ شورای وزیران تصمیم گرفت تا قدمهای دیگری را بردارد.^(۳۷) بنابراین، نیاز به یک تعریف مشترک از اعمال تروریستی تا تحریمها که قابل اعمال باشد به وسیله هر ۱۵ عضو مورد تأکید قرار گرفت. همچنین مقرر گردید تا یورو جاست^{۳۹} هم در قوانین خود موارد ضد تروریستی را بگنجاند. جلسه فوق العاده در ۲۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، موضوعات مشابهی مورد بحث قرار گرفت و همکاریهای قانونی و امنیت هوایی نیز مورد امعان نظر قرار گرفتند.^(۳۸)

اگرچه تأکید بر ماهیت چند بعدی تروریسم در تلاش اتحادیه اروپا برای ارائه تعریف به منصفه ظهور رسید اما با این وجود در پایان تلاش جهت دستیابی به اجماع در اقدام مشترک علیه تروریسم و تعریف عمل ترور و اساس و

مفهوم آن ناکام باقی ماند. پدیده‌ی مشابهی در قسمت دیگر موضوع یعنی (جلوگیری از حمایت مالی از تروریسم) قابل مشاهده است. در یازدهم اکتبر سال ۲۰۰۱ کمیسیون اروپا پیشنهاد نمود تا موضع مشترکی درباره‌ی حمایت مالی از تروریسم ارائه گردد. این طرح ضمن پیروی از الگوی آمریکا تأکید می‌نمود هر کشور عضو خود باید به تعیین روندهای قانونی مربوط پردازد.

طبیعتاً تحقق این پیشنهادها وابسته به تأمین منابع مالی خواهد بود. از این منظر پارلمان اروپا در اکتبر سال ۲۰۰۱ پیشنهاد کرد قسمتی از بودجه عمومی خود را برای امور ضد تروریستی اختصاص دهد.^(۳۹) با این وجود از آنجایی که معلوم نبود این منابع چگونه باید مصرف شود، کشورهای می‌باید که مفهوم تروریست، تروریسم و سازمانهای تروریستی را تعریف کنند. تلاشهای محدود برای ارائه تعریف باعث شده تا در قطعنامه شورا تعریف گسترده‌تری از «تروریسم» ارائه شود و پس از آن فهرستی از سازمانهای تروریستی تهیه شود.

سرانجام توسعه تلاشهای اتحادیه اروپا در نشست سران در لیکن^{۴۰} گسترش یافت. در این نشست تصمیم روشنی برای مبارزه علیه تروریسم اتخاذ شد و از همه مهم تر اجماعی درباره‌ی تعریف جرایم تروریستی و آماده‌سازی

38. The Treaty on the European Union (TEU)

39. Eurojust

40. The Leaken Summit

فهرستی از اشخاص و سازمانهای تروریستی حاصل آمد.^(۴۰)

در همین راستا اولین ابداع حمایت از قطعنامه ۱۳۷۳ در تاریخ ۲۸ سپتامبر سال ۲۰۰۱ توسط سازمان ملل متحد بود در واقع، شورای اروپا تصمیمی را اتخاذ نکرد بلکه به اتخاذ موضع مشابهی پرداخت. این موضع مشترک برای مبارزه علیه تروریسم به نوعی با قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد متفاوت است.^(۴۱) اول اینکه بند ۲ قطعنامه شورای امنیت کشورها را به مبارزه با تروریستها و سازمانهای تروریستی ملزم می کند در حالی که ماده ۴ قطعنامه شورای اروپا پیش بینی می کند که کشورهای عضو ممکن است برای حمایت مردم اقدام کنند. به علاوه قابل به ذکر است که تعریف تروریسم توسط اتحادیه اروپا گسترده تر از تعریف سازمان ملل متحد است. بنا بر قطعنامه شورای اتحادیه اروپا کسی که مرتکب یک عمل تروریستی شود و یا اقدام به آن کند و همه کسانی که از آن حمایت به عمل آورند تروریست هستند. به عبارت دیگر اگر امکان این باشد که براساس قطعنامه شورای امنیت به جنگ طلبان پ.ک.ک که در ترکیه دستگیر شده اند بتوان اعطای پناهندگی نمود از طریق قطعنامه ی اتحادیه اروپا نمی توان چنین کاری کرد.

براساس این تعریف، هر کسی می تواند تروریست تلقی شود. همان طوری که امکان دارد هیچ کس هم تروریست پنداشته نشود،

چرا که خواست کشورهای عضو در اینجا مطرح بوده و هیچ تعریف مشخصی از ترور یا تروریستها وجود ندارد و هیچ عمل مشترکی نیز وجود ندارد و دیدگاه هر کشوری نیز می تواند متفاوت باشد.

در ۲۷ دسامبر سال ۲۰۰۱ موضع جدید مشترکی اعلام شد چرا که اتحادیه اروپا نمی توانست عمل تروریسم را تعریف کند و سازوکارهای همکاری برای اقدامات ضد تروریستی را روشن سازد. تصمیم شورای اروپا با عنوان (موضع گیری مشترک شورا درباره ی اتخاذ اقدامات ویژه برای مبارزه با تروریسم)^(۴۱) بسیار حایز اهمیت است^(۴۲) این اهمیت به دلیل ارائه تعریف از اقدام تروریستی و همچنین صدور فهرستی از افراد و سازمانهای تروریستی است که دشمن مشترک اتحادیه تلقی می شوند. موضوع اول ماده یک و همچنین ماده ۲ این سند، درست همان اصول بیانیه های قبلی است. ضمناً بند ۳ ماده یک به تعریف مفهوم تروریسم می پردازد. این تعریف خیلی شبیه تعریفی است که کمیسیون در ۱۹ سپتامبر سال ۲۰۰۱ تحت عنوان (چارچوب تصمیم شورا برای مبارزه علیه تروریسم) به شورا پیشنهاد کرده بود.

اولین فهرست رسمی افراد و گروههای تروریستی در قطعنامه شورا تحت عنوان موضع

41. Council Common Position on the Application of Specific Measures to Combat Terrorism

مشترک در مورد اتخاذ اقدامات ویژه برای مبارزه با تروریسم انتشار یافت سپس در دوم می سال ۲۰۰۲ اتحادیه اروپا طی قطعنامه‌ای این لیست را گسترش داد اما تعریفی از تروریستها و سازمانهای تروریستی ارائه نکرد.^(۴۳)

باتوجه به اسناد اشاره شده ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

● قبل از سال ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا تروریسم را یک تهدید می‌دید اما هیچ توافقی برای اتخاذ اقدامات پیشگیرانه وجود نداشت.

● برای اتحادیه اروپا تروریسم پدیده‌ای منزوی نیست بلکه امری همگانی و فراگیر است که برای مقابله با آن باید به اقدامات جمعی دست زد.

● هیچ کدام از گروههایی که در لیست شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار دارند در لیست اول صادر شده توسط اتحادیه اروپا قرار نداشت.

● اتحادیه اروپا ترجیح می‌دهد از واژه «گروه تروریستی»^{۴۲} به جای «سازمان تروریستی»^{۴۳} استفاده کند.

فرجام

باتوجه به کنوانسیونهای بین‌المللی یا قطعنامه‌های سازمان ملل متحد یا حتی سازمانهای بین‌المللی مانند ناتو، اصلی‌ترین ویژگی بین‌المللی درباره‌ی تروریسم اجماعی است که درباره‌ی «مبارزه» علیه آن وجود دارد. درحالی‌که مفاهیم ترور، تروریسم و سازمانهای

تروریستی تعریف نشده‌اند، اما فهرست «مجریان ترور» به طور موردی منتشر شده است. کشورها تاکنون به اتخاذ موضع مشترکی درباره‌ی برخی جرایم تروریستی نائل شده‌اند، اما نتوانسته‌اند به اجماعی درباره‌ی موضوعاتی مانند خود جرم برسند چرا که «مجریان تروریستی» هر کشوری (دشمنانش) مختلف هستند. بنابراین دیدگاه آنان راجع به جرم یا دشمن متفاوت است. این تفاوت دیدگاه مبتنی بر منافع گوناگونی است که کشورها در نظام بین‌الملل دارا هستند.

هر بازیگر می‌کوشد تا سیاست داخلی و امنیت خارجی خود را براساس مفاهیمی از تروریسم توضیح دهد که به نوبه خود دارای ابهام هستند. این کشورها سعی می‌کنند تا سیاست خود را براساس موازین قانونی مشروع نموده و توجیه کنند. این روند مشروعیت دهنده به بازیگران آزادی عمل برای مقابله با تروریسم را اعطا می‌کند.

تاکنون این امکان وجود نداشته که اجماعی بر سر تعریف مفاهیم تروریسم، تروریست و سازمانهای تروریستی از خلال کنوانسیونهای بین‌المللی به وجود آید. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد که منافع کشورهای مختلف یا دشمنانشان متفاوت باشند. البته می‌توان گفت اگر چه قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد دارای نواقص زیادی درباره‌ی

42. Terrorist Groups

43. Terrorist Organization

۲. رضا سیمبر، صلح و امنیت جهانی در آستانه قرن بیست و یکم، فصلنامه سیاست خارجی، سال یازدهم، تابستان ۱۳۷۶ صص ۳۴۹-۳۶۷.

۳. رضا سیمبر، بازیگران جهانی و مدیریت بحرانهای بین‌المللی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال یازدهم، شماره یازدهم و دوازدهم - مرداد و شهریور ۱۳۷۶، صص ۱۱۶-۱۲۴.

۴. ابداعات جهانی در این باره شامل اسناد زیر می‌شود:

14. 09. 1963 Convention on Offenses & Certain Other Offenses Committed on Board Aircraft - Tokyo

16. 12. 1970 Convention for the Unlawful Seizure of Aircraft - The Hague

23. 09. 1971 Convention for the Suppression of Unlawful Acts Against the Safety of Aircraft- Montreal

02. 02. 1971 Convention to Prevent and Punish Acts of Terrorism Taking the Form of Crimes

a) Against Persons and Related Extortion that are of International Significance

(b) Washington 14. 12. 1973 Convention on the Prevention and Punishment of Crimes Against Internationally Protected Persons, Including Diplomatic Personnel - New York

17. 12. 1979 Convention Against the Taking of Hostage - New York

03. 03. 1980 Convention on the Physical Protection of Nuclear Materials - Vienna

24. 02. 1988 Protocol for the Suppression of Unlawful Acts of Violence at Airports Serving International Aviation, Complementary to the Suppression Unlawful Acts Against the Safety of Aircraft- Montreal

10. 03. 1988 IMO - International Maritime Organization, Suppression Unlawful Acts Against the Safety of

تعریف تروریسم هستند، اما به نظر می‌رسد که این قطعنامه‌ها بعضی از دشمنان بازیگران اصلی در نظام بین‌الملل به عنوان دشمن همه کشورها در نظر گرفته می‌شوند. قوانین بین‌المللی آزادی عمل را به کشورها یا اتحادی از کشورها درباره‌ی موضوعات مربوط به تروریسم فراهم می‌کند.

در نتیجه باید گفت که اگرچه نقاط مشترکی درباره‌ی دشمنان آمریکا و اتحادیه اروپا وجود دارد اما می‌توان ادعا نمود که اختلافات بین آنها حایز اهمیت است. به منظور فهم نقاط متناقض بین این دو بازیگر بین‌المللی تنها کافی است به فهرست رسمی سازمانهای بین‌المللی نگاه کرد. مبداء سازمانها نشان می‌دهد که چگونه این بازیگران نسبت به ریشه‌های جغرافیای آنها می‌نگرند. اگر آمریکا و اتحادیه اروپا به توافقی درباره‌ی مبارزه علیه تروریسم در قلمرو خارجی نائل نمی‌شوند، نشان دهنده اختلافات آنها درباره‌ی منافعشان می‌باشد، به همین ترتیب سایر بازیگران بین‌المللی نیز بر این اساس می‌توانند دارای دیدگاههای مختلفی راجع به تروریسم باشند.

پانوشتها

1. Simbar, Reza, **International Terrorism and democratic Peace**, SGIR Conference, The Hague, Holland. 9-11 September 2004, The Conference Proceeding.

معرفی می‌کنند. و کشورها را به همکاری برای بازدارندگی و مبارزه با تروریسم دعوت می‌نمایند. اما در عین حال هیچ تعریف مشخصی از تروریسم، تروریست و سازمانهای تروریستی ارائه نمی‌کنند.

6. GA RES/ 51/ 210, 55/ 158-1999,
www.Unamich.Org/MUN/SEMMUNA/legal.htm. UN Treaty Series, vol. 1137 No. I - 17828, 27 Jan. 1977.

7. European Convention for Suppression of Terrorism,

8. *Ibid.* pp. 94-95.

۹. مفهوم اتحاد استراتژیک به وسیله سران کشورها و دولتهای عضو در نشست شورای آتلانتیک شمالی در واشنگتن در ۲۳ و ۲۴ آوریل سال ۱۹۹۹ اتخاذ شد که سند آن عبارتست از:

NATO Press Release NAC-S (99) 65,24
April 1999.

10. *Ibid.* Part II No. 24.

11. **Euro- Atlantic Partnership Council (EAPC) Action Plan, 2000-2002, Press Release M- 2- EAPC, (99) 169, 14 Dec. 1999.**

۱۲. کنوانسیونهای سازمان ملل متحد و قطعنامه‌های شورای امنیت از لحاظ بین‌المللی اسناد الزام‌آوری در باره تروریسم هستند اما در کنار اینها قطعنامه‌های مجمع عمومی جنبه الزام‌آور ندارند. که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

1. International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism GA/RES/51210-17.Dec.1999.

2. Measures to Eliminate International Terrorism GA/RES/A/52/165-15 Dec. 1997.

3. International Convention for the Suppression of Terrorist Bombings GA/DOC/A/52635-25 Nov.1997.

4. Measures to Prevent International Terrorism GA/RES/A/34/145-17 Dec. 1979.

۱۳. رضا سیمیر، جامعه بین‌المللی و مواجهه با تروریسم: راهکارهای حقوقی - سیاسی در ساختارهای یک جانبه و چند جانبه، فصلنامه‌ی سیاست خارجی، سال هجدهم، تابستان ۱۳۸۳، صص ۳۴۹-۳۲۵.

14. SC/ 1207, RES 1377, **Anti Terrorism Measures, Regulation, 2001, No: 297, Reg.2.**

Maritime Navigation - Rome

10. 03. 1988 IMO - International Maritime Organization Protocol for the Suppression of Unlawful (C) Acts Against the Safety of Fixed Platforms on the Continental Shelf- Rome

01. 03. 1991 Convention on the Marking of Plastic Explosives for the Purpose of Detection - Montreal

15. 12. 1997 Convention for the Suppression of Terrorist Bombings - New York

09. 12. 1999 Convention for the Suppression of Financing of Terrorism - New York Regional Initiatives:

02. 02. 1971 OAS- Convention to Prevent and Punish Acts of Terrorism Taking the form of Crimes against Persons and Related Extortion that are of International Significance

27. 01. 1977 European Convention for Suppression of Terrorism

01. 01. 1987 SSARC Regional Convention on Suppression of Terrorism

22. 04. 1998 Arab Convention for the Suppression of Terrorism - League of Arab States

01. 07. 1999 Convention of the Organization of the Islamic Conference on Combating International Terrorism

14. 07. 1999 Organization of African Unity - Convention Against Terrorism

۵. برای جزئیات بیشتر در این باره ر.ک. به [www. Un. Org](http://www.Un.Org). به علاوه به قطعنامه‌ی شماره ۱۲۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل در ۸ دسامبر ۱۹۹۸، قطعنامه ۱۲۶۷ در ۱۵ اکتبر سال ۱۹۹۹. قطعنامه‌ی شماره ۱۲۶۹ در تاریخ ۱۹ اکتبر سال ۱۹۹۹. قطعنامه‌ی ۱۳۳۳ در تاریخ ۱۹ دسامبر سال ۲۰۰۰ نیز مراجعه شود. این قطعنامه‌های نمونه برخی اشخاص و سازمانها را مسئول اقدامات تروریستی

7. Feb. 1992, Title VI, Article. K1.
30. Schengen Convention, 19 June 1990 Title 3, Part 1, Arrucle 40.41.
31. Amsterdam Treaty, OJ (C 340), 10 Nov. 1997.
32. European Police Office Convention, OJ. (C 316), 27 Nov. 1995.
33. Joint Action, 96/610/ JHA.
34. Convention on Mutual Assistance in Criminal Matters between the Member States of the EU, OJ (C 197), 12. July 2000.
35. Charter of the Fundamental Right of the EU, Nice, 7 Dec. 2000, OJC. 364, 18 Dec 2000.
36. Council Framework Decision on Combatting Terrorism, COM (2001) 521 final, 19 Sept, 2001, 2001/0217 (CNS).
37. European Union Steps UP Fight Against Terrorism, The EU Council of Justice and Home Affairs Ministers, New Release, No. 67/01, 20 Sept. 2001.
38. Conclusion and Plan of Action of the Extraordinary European Council Meeting on 21 Sept. 2001, SN 140/01.
39. European Parliament, C 5- 04952001, 25 Oct-2001.
40. Conclusion de la Presidence, Laeken 12-14 Dec. 2001, SN 300/1/01/REU 1,P.5.
41. Council Common Position on the Application of Specefic Measures to Combat Terrorism, 20 Jan/931 OJL 344/43, 28 Dec 2001.
42. Council Common Position on Combating Terrorism, 2001/930, OJL 344/40 28 Dec. 2001.
43. Council Common Position, Updating Common Position 2001/931/ CFSP, 2. May. 2002, (2002/340. CFSP) J.O.L. 116/75, 3 .may 2002.
15. AFG/ 169, SC/RES 7222.
16. Anti - **Terrorism and Effective Death Penalty Act**, title 18, Part 1, Chapter 113 B Par. 2231.
۱۷. در همین راستا به عنوان نمونه ایران، عراق، کره شمالی، کوبا و سودان در سال ۱۹۹۹ به عنوان کشورهای حامی تروریسم معرفی شدند.
- www.State. gov/www/global/Terrorism/1999report**
۱۸. در این باره ر.ک. به:
-The Federal Register, Vol. 67. No: 12 Thursday, Jan. 17 2002, pp. 2457-75.
۱۹. به عنوان نمونه تروریسم ملی و تروریسم بین المللی در اسناد زیر تعریف شده اند:
The United States Law Title 18, Part I. Section 113 B 2332 (5) and 2331 (11)
20. United States Government Domestic Terrorism Concept of Operations Plan, Jan., 2001, **Presidential Decision Directive**, NSC - 39 (PDD- 39).
۲۱. براساس چنین قوانینی بود که ۱۲۰۰ نفر قبل از اینکه جرمشان ثابت شود پس از رخداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بازداشت شدند.
Le Monde Diplomatique, Jan. 2002, p.8.
۲۲. به عنوان نمونه از چنین فهرستهایی ر.ک. به.
Terrorism list Governments Sanction Regulations (Title 31 part 596 of the US Code of Federal Regulations).
23. The Prevention of Terrorism Act of 1989, Part V.s. 20, s.1 (a)
24. Anti-Terrorism Crime and Security Bill Chapter 24.
25. Acts de Terrorisms et Attentat, No. 86, 09 Sep. 1986, Article 9, Art. L. 126.2 .
26. Le decret 2001-1137 du 28 Dec. 2001, J.O., No: 303,30 Dec. 2001.
27. http://Conventions.Coe. Int.
28. Convention for the Protection of Human Right and Fundamental Freedom, European Treaty Series (ETS), No 5. Rome, 4 Nov. 1950; Protocol No: 11, 1 Nov. 1998, ETS No. 155. Article 2 (2) (a).
29. Treaty on European Union, OJ. (c 191)